

## بررسی تطبیقی تعدد و تکرار جرم در قانون مجازات اسلامی

مژده کشاورز

مدیر اجرای احکام شورای حل اختلاف

نام نویسنده مسئول:

مژده کشاورز

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱/۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۳/۱۳

### چکیده

پژوهش حاضر جهت بررسی تطبیقی تعدد و تکرار جرم در قانون مجازات اسلامی و فقه امامیه شکل گرفته است. در قلمرو حقوق جزا، تعدد جرم و تکرار جرم را، علل تشدید کننده مجازات می دانند. بنابراین توضیح تکرار جرم، موجب تشدید مجازات می شود. علل تشدید مجازات در نظام کیفری اسلامی از اهمیت ویژه ای برخوردار است؛ زیرا تعیین مجازات متناسب با بزه انجام شده سبب رعایت اصول انسانی و اسلامی، مثل اصل عدالت کیفری و تناسب بین جرم و مجازات می شود و این امر سلامت روانی جامعه را بیشتر تأمین می کند. یکی از علل عام تشدید مجازات «تکرار جرم» می باشد که به نوبه خود تأثیر بسزایی در تأمین اهداف مجازات می گذارد و شخص بزهکار را از انجام مجدد جرم باز می دارد هدف از انتخاب موضوع حاضر بررسی و تطبیق تعدد و تکرار جرم در قانون جدید مجازات اسلامی و فقه امامیه به جهت حساسیت موضوع می باشد روش تحقیق در این پژوهش به صورت توصیفی-تحلیلی و کتابخانه ای می باشد روش تجزیه و تحلیل ابتدا چارچوب کلی، فهرست وار ترسیم شده، تقسیم بندی های لازم با توجه به تحدید مسأله صورت گرفته. سپس منابع لازم تهیه و ضمن بررسی اعتبار و روایی آنها و مطالعه، فیش برداری و خلاصه نویسی نیز آغاز گردیده، در ادامه، کل مطالب گردآوری، تجزیه و ترکیب شده و ضمن بازنگری، تدوین نهایی صورت گرفته است. با توجه به سوالات و فرضیات اصلی پژوهش، به نظر می رسد در قانون مجازات اسلامی و فقه امامیه به تعدد و تکرار جرم توجه خاصی شده است. همچنین نتایج نشان میدهد که تکرار جرم در قانون مجازات و دیدگاه فقه امامیه با میزان مجازات مجرم ارتباط و تناسب دارد.

**واژگان کلیدی:** تعدد، تکرار، جرم، قانون، فقه امامیه.

## مقدمه

درمبحث حقوق کیفری عمومی از سه موضوع جرم، مسئولیت کیفری و مجازات بحث می شود، موضوعاتی که درواقع عناوین یک دادرسی جزایی را تشکیل می دهند. مجازات را می توان بازتاب یا واکنش اجتماعی عمل مجرمانه درنقض مقررات قانونی و به عبارتی برهم زدن نظم عمومی دانست، عکس العملی که جرم شناسان و جامعه شناسان و متخصصین حقوق کیفری برای آن اهداف مختلفی ازقبیل ارباب ( اعم از فرد مجرم یا سایر افراد جامعه ) ، انتقام جویی ، فرونشاندن احساسات کینه توزانه ی زیان دیده از جرم یا اقرای او، اصلاح و تربیت مجرم، به سازی و پاک سازی جامعه و درنهایت دفاع احتمالی درمقابل خطرات ناشی از عمل مجرم یا جلوگیری از خطرات احتمالی ناشی از اقدامات بعدی او ( مجازاتهای بازدارنده ) قائل گردیده اند. شاید بتوان گفت بهترین ثمره ی مجازات و مهمترین هدف آن اجرای عدالت اجتماعی است. مجازاتی که به این ترتیب مورد توجه و قبول جوامع بشری و دست اندرکاران اجرای عدالت اجتماعی قرار گرفته است، درطول زمان و درادوار مختلف چه از نظر طبع و نوع، چه از نظر نحوه ی اجرا و چه از نظر شدت وضعف آن دست خوش تحول و دگرگونیهایی شده است. مهمترین این تحولات عبارت است از تبدیل تدریجی پاره ای از مجازاتهای بدنی به مجازاتهای سلب آزادی و تبدیل این مجازاتها به مجازاتهای مالی و بالاخره بروز تفکر جدید اصلاح و تربیت مجرم و جانشین کرن تعلیم و تربیت واتخاذ تدابیر تأمینی و توجه به پیشگیری از وقوع جرم به جای مجازات. مبارزه با جرم از طریق اعمال مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی و اتخاذسیاست جزایی موثر دراین راه از دیرباز مورد توجه رهبران مذهبی، قانونگذاران و مصلحین اجتماعی بوده و هنوزهم اهمیت خود را ازدست نداده است، به طوریکه قسمت مهمی از مقررات و قوانین و حتی عرف و عادت بشری تحت تأثیر این مبارزه قرار گرفته است و هر روز راه و روش تازه ای برای برخورد بهتر با این معضل اجتماعی پیشنهاد و تصویب می گردد. تکرار جرم همانگونه که از واژه به کار گرفته شده استنباط می شود به معنی تکرار و بازگشت مجدد مجرم به جرم است. به عبارت دیگر ارتکاب مجدد، مجرم را به آن چه جرم محسوب می شود تکرار جرم گویند. (بابایی، ۱۳۸۳:۳۶) در قلمرو حقوق جزا، تعدد جرم و تکرار جرم را، علل تشدید کننده مجازات می دانند. بنابراین توضیح تکرار جرم، موجب تشدید مجازات می شود. تکرار جرم، پدیده ای است که هم قانونگذار به آن توجه دارد و هم دستگاه قضایی آن را نادیده نمی انگارد. مفهوم تکرار جرم از دیدگاه اندیشمندان جرم شناسی، تنها به معنای آن نیست که مجرمی پس از محکومیت قطعی و یا پس از محکومیت قطعی و اجرای حکم، مرتکب جرم دیگری شود، بلکه جرم شناسان نظری وسیعتر دارند و پدیده تکرار جرم را شامل هر گونه تکراری می دانند، بی آنکه به قید و بندهای قانونی و قضایی چشم دوخته باشند. (طوسی، ۱۳۷۹) باید اضافه شود که اگر چه به نظر می رسد مراد از تکرار جرم، بازگشت مجدد به جرم است، اما برخی اعتقاد دارند با توجه به اینکه مقدار و اندازه جرایم در اجتماع، ماهیت جرم از این حیث که جرم ارتکابی از چه سطحی از خشونت برخوردار است و یا محدوده ارتکاب به جرم و قانون شکنی آنها به چه نوع یا انواعی از جرایم محدود می شود و آیا اصولاً ارتکاب جرم و محدوده زمانی تعریف شده چگونه باشد، می شود از تعریف های مختلف در موقعیت های خاص استفاده کرد. (بابایی، ۱۳۸۳:۳۶) نظر به اینکه شرط اول تحقق تکرار جرم وجود «محکومیت قبلی به مجازات» می باشد لازم است این محکومیت اولاً قطعی شده باشد یعنی اعتبار قضیه محکوم بها را پیدا نماید ثانیاً حکم مزبور از دادگاه صالح کشور صادر شده باشد ثالثاً حکم صادره متضمن مجازات باشد و رابعاً این محکومیت ذاتاً و مستقلاً ملحوظ گردد یعنی محکومیت که رکن اول تکرار جرم شناخته می شود باید اصولاً فی حد ذاته مورد نظر واقع شود و قاضی دوم که به اتهام بعد از محکومیت رسیدگی می کند در تغییرات قانون که ممکن است رأی سابق را تغییر دهد و یا خوب و بد بودن رأی سابق حق دخالت ندارد این شرط به این علت ذکر شده است که عده ای از حقوق دانان معتقدند محکومیت سابق هر گاه راجع به عملی باشد که بعد از تاریخ صدور حکم به موجب قانون بعدی جرم شناخته نشده و یا مجازات آن تغییر کرده باشد و یا اینکه اگر محکومیت سابق در نتیجه اشتباه باشد مثلاً برای عملی که غیرقابل مجازات بوده حکم به مجازات صادر گردیده نباید چنین محکومیتی را رکن تکرار جرم قرار داد. (نوری، ۱۳۵۲:۸۰) تعدد جرم براساس قاعده شرطیه از فقه استنباط شده است اما برخی فقها این عمل را از قاعده شرطیه استنباط نمی کنند به عنوان مثال بزرگانی مانند مرحوم آخوند خراسانی (ره) قضیه شرطیه را فاقد مفهوم می دانند. پس بنابر تعریفی که از منطوق جمله شرطیه ارائه شد، مفهوم قضیه شرطیه نیز تنها دلالت بر انتفای دارد. جزا به هنگام انتفا شرط می کند اما همان گونه که ترتب جزا بر شرط حصری نمی باشد این انتفا نیز افاده انحصار نمی کند، به عنوان نمونه در قضیه

شرطیه «ان جائك زيد فاكرمه» آمدن زيد شرط وجوب اكرام اوست، چرا كه امر، ظهور در وجوب تأخر در تأثیر آن سبب خواهد شد. در مثال مشهور فقهی « اذا خفي الاذان فقصر و اذا خفي الجدران فقصر» هر کدام از اسباب خفای اذان یا جدران سبب مستقل قصر نماز است كه سببیت و تأثیر ما عداي خود را نفی نمی كند؛ بنابراین هر کدام از این دو سبب تحقق یافت، قاصر نماز خواهد بود. در این صورت اگر شرط دیگر با تأخر زمانی حادث شود تأثیر خود را از دست نداده است؛ چرا كه شرط سابق نافذ تأثیر شرط لاحق خود نخواهد بود. در وضعیت تعدد شروط، جزا یا قابل تکرار است قابلیت تکرار ندارد. عدم قابلیت تکرار جزا موجب، یا به واسطه منع تکوینی است؛ مانند اینکه جزا اعدام باشد كه با یک بار اعمال آن دیگر اعدام شونده ای نیست تا مورد حکم قرار گیرد، یا منع شرعی است؛ مانند نماز كه با یک بار امتثال امر دیگر قابلیت تکرار ندارد. (ذاكر، ۱۳۸۸). قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در مواد ۱۳۱ تا ۱۳۵ به موضوع تعدد جرم اشاره کرده است و در تبصره ۳ ماده ۱۳۴ بیان می دارد كه در تعدد جرم در صورت وجود جهات تخفیف، دادگاه می تواند مجازات مرتكب را تا میانگین حداقل و حداكثر و چنانچه مجازات، فاقد حداقل و حداكثر باشد تا نصف آن تقلیل دهد. همچنین تبصره ۴ این ماده اشاره می كند كه مقررات تعدد جرم در مورد جرائم تعزیری درجه های هفت و هشت اجرا نمی شود. این مجازات ها با هم و نیز با مجازات های تعزیری درجه یک تا شش جمع می گردد. همچنین ماده ۱۳۳ بیان می دارد كه در تعدد جرائم موجب حد و قصاص، مجازات ها جمع می شود. لکن چنانچه مجازات حدی، موضوع قصاص را از بین ببرد یا موجب تأخیر در اجرای قصاص گردد، اجرای قصاص مقدم است و در صورت عدم مطالبه فوری اجرای قصاص یا گذشت یا تبدیل به دیه، مجازات حدی اجرا می شود. همچنین مواد ۱۳۶ تا ۱۳۹ قانون مجازات مصوب ۱۳۹۲ به بررسی مساله تکرار جرم می پردازد. این مطالعه به بررسی تطبیقی تعدد و تکرار جرم در قانون مجازات اسلامی و فقه امامیه می پردازد.

### مبانی نظری

جرم را اعم از آنكه بصورت آنی یا مستمر در كتاب باید وقتی از یک فعل واحد تشکیل شده باشد، جرم ساده می گویند و اگر از افعال مادی متعددی به وجود آمده باشد، بر حسب اینکه این افعال متنوع و یا مشابه باشد، جرم مرکب و جرم به عادت می نامند. در برابر جرم ساده كه عنصر مادی آن از یک فعل واحد تشکیل یافته جرم مرکب و جرم به عادت قرار دارد، جرمی را مركب می گویند كه عنصر مادی آن از افعال متنوع و به قصد تحقق نتیجه ی واحدی ترکیب یافته باشد و مصداق بارز جرم مركب جرم كلاهبرداری است. برای تحقق جرم كلاهبرداری باید حداقل دو فعل متفاوت از كلاهبرداری صادر شود؛ توسل به وسائل تقلبی (به كار بردن اسم یا عنوان مجعول ...) و به دست آوردن مال (وجوه، اسناد، قبوض و...) این دو فعل ذاتاً از یکدیگر متفاوت هستند ولی هر کدام مراحل متوالی یک جرم یعنی كلاهبرداری را تشکیل می دهند. اما جرم به عادت موكول به وقوع فعل معین در دفعات مكرر است چندانكه عادت مرتكب از این افعال احراز شود، بنابراین، جرم به عادت یکباره محقق نمی شود و تحقق آن به گذشت زمان نیاز دارد. (جرم تكدی موضوع ماده ۷۱۲ قانون مجازات اسلامی) از جمله ی جرائم به عادت محسوب میشود. (الهام، ۱۳۸۲، ۱۵)

### تعریف تعدد جرم

تعدد جرم عبارت است از این كه شخصی مرتكب چند فقره جرم مجزی ازهم در زمان های مختلف شود بدون آنكه یک محكومیت قطعی فاصل بین آنها باشد. اعم از اینکه مرتكب توانسته با توسل به هرترفندی خود را از تعقیب کیفری مصون بدارد یا آنكه ارتكاب جرائم متعدد در فواصل کوتاهی از یکدیگر، مانع تحت تعقیب قرار گرفتن وی و در نتیجه صدور حکم محكومیت قطعی گردیده باشد. در این صورت اعمال قاعده تشدید مجازات به سبب ارتكاب جرائم متعدد مستلزم آن است كه مجرم برای هیچیک از جرایم ارتكابی قبلیش تحت پیگرد قرار نگرفته و حکم محكومیت قطعی درباره ی او صادر نشده باشد. (زرعت، ۱۳۸۴، ۱۳۲)

بنابراین تعریف برای تحقق و عنوان تعدد جرم دو شرط لازم است :

اول اینکه مجرم چند جرم یا لاقط دو جرم مرتكب شده باشد.

دوم اینکه قبل از آنکه برای جرم اول یا هریک از جرائم قبلی حکم محکومیت قطعی صادر شده باشد، مجرم دومین یا چندمین جرم خود را مرتکب شود و یا به عبارت دیگر اینکه بین جرائم متعددی که به مجرم نسبت داده می شود محکومیت قطعی حادث نشده باشد<sup>۱</sup>. زیرا چنانکه می دانیم حکم محکومیت قطعی وقتی مانع اجرای قاعده ی تعدد جرم گردیده و مرتکب را مشمول قاعده ی تکرار جرم می نماید که قبل از ارتکاب دومین یا چندمین جرم صادر شده باشد و قید کلمه ی « قبل » مذکور در اول عبارت شرط دوم به منظور روشن کردن این وضعیت است که مثلاً اگر فردی که مرتکب سه فقره جرم گردیده ابتداً به جهت ارتکاب بزه سوم تحت تعقیب قرار گرفته و بدون آنکه در جریان رسیدگی، جرائم قبلی او کشف گردیده باشد به محکومیت قطعی محکوم شود، این سابقه ی محکومیت به هنگام رسیدگی به جرائم ارتکابی قبلی او سابقه ی لازم برای اعمال قاعده ی تکرار محسوب نمی شود، بلکه فقط به عنوان معرف وجود یک سابقه ی ارتکاب جرم در احتساب جرائم متعدد برای اعمال قاعده تعدد منظور خواهد گردید. شاید به نظر عده ای چنین باشد که هرگاه شخصی مرتکب جرائم متعدد گردیده باید به جهت ارتکاب هریک از آن جرائم علیحده مجازات شود ولی در حقوق جزائی مدرن این نظریه پذیرفته نیست و تعدد جرم به جز در موارد استثنایی موجب تعدد مجازات نمی شود. مبنای قبول این قاعده این است که در چنین صورتی جامعه هم بدون تقصیر نبوده، زیرا اگر جامعه به موقع اقدام می کرد و وظیفه ی حراست و ولایت خود را به نحو احسن انجام می داد و مجرم ابتدایی را به مجازات می رساند، شاید با تنبیه یا احتمالاً تنبیه و تربیت او امکان ارتکاب جرائم بعدی را از او می گرفت و به او فرصت تکرار نقض مقررات اجتماعی و انتظامی را نمی داد و چون جامعه در انجام وظیفه ی خود قصور کرده است، حق ندارد بار تمام گناهان را به گردن او بیاندازد و او را برای تمام جرائم ارتکابی مجازات کند. البته این استدلال چندان قاطع و قانع کننده نیست، زیرا غالباً فاصله ای بین جرائم متعدد وجود ندارد تا جامعه فرصت اعمال تکلیف خود را در این باره داشته و به علت عدم انجام این تکلیف قابل ملامت و سرزنش باشد. وانگهی ضمانت اجراء تأخیر و تعلل جامعه در تعقیب و مجازات بزهکار ضمن قواعد مربوط به مرور زمان تأمین گردیده و نیازی نیست که قاعده عدم جمع مجازاتها را در مقابل تعدد جرم به عنوان ضمانت اجرای دیگری توجیه کنیم<sup>۱</sup>.

### شرایط تحقق تعدد واقعی جرم

۱. ارتکاب بیش از یک جرم تعزیری یا دارای مجازات بازدارنده توسط مجرم؛ البته نباید بین تعدد جرم با جرم واحدی که طبیعتاً مدتی استمرار پیدا می کند (جرم مستمر) اشتباه شود. همچنین نباید بین تعدد جرم با جرم جمعی که از یک سری اعمال پی در پی که همگی یک عمل را تشکیل می دهند، اشتباه کرد مثل سرقت از یک منزل در ده بار متناوب که هر بار عمل سرقت بوده ولی مرتکب جرم در نهایت برای یک سرقت تحت تعقیب قرار می گیرد (شامیانی، ۱۳۷۵، ۴۶۲)
  ۲. عدم محکومیت ثابت یا قطعی برای جرایم ارتکابی در حین محاکمه؛
  ۳. یک جرم مقدمه جرم دیگر نباشد؛
  ۴. جرایم لازم ملزوم یکدیگر نباشند.<sup>۱</sup>
- برای شناسایی جرایم مختلف از یکدیگر ملاک هایی ارایه شده است از جمله:
- اختلاف جرایم در رکن مادی، اختلاف در شدت و ضعف مجازات ها، اختلاف در نوع جرم، اختلاف در ماده استنادی جرم و اختلاف جرایم از حیث رکن روانی جرم. [ابن نجیم، ۱۹۹۷، ۱۳۷]

### تکرار جرم

تکرار جرم حالت کسی است که پس از محکومیت قطعی در دادگاه صالح، مرتکب جرم دیگری شود. این پدیده از جمله دقیق ترین و سخت ترین مباحث حقوق کیفری است از آن جهت که هم با مسایل جزایی مرتبط است و هم با مسایل اجتماعی و هم با عدالت و اجرای آن. این موضوع به عنوان معضل مشترک تمام نظام های حقوق کیفری جهان مطرح است. این حالت علاوه بر آن که نشانه ناتوانی و قصور بزهکار جهت بازاجتماعی شدن و انطباق با حیات عاری از جرم است، بیان گر کاستی و ناتوانی

نهادهای مجری عدالت کیفری جهت بازسازی و بازپروری و همچنین پیشگیری از جرم نیز هست. تکرار کنندگان جرم نه تنها با استمرار فعالیت خویش، نظم و امنیت اجتماعی را در معرض مخاطره قرار می‌دهند؛ بلکه هزینه‌های گزافی را نیز بر اقتصاد عمومی و بودجه نظام عدالت کیفری تحمیل می‌کنند چرا که بیش از نیمی از مشتریان دایمی دستگاه عدالت کیفری را تکرار کنندگان جرم تشکیل می‌دهند. (توجهی، ۱۳۸۹، ۴)

## مجازات تکرار جرم

تکرار جرم حکایت از خطرناک بودن مجرم دارد و مبین آن است که اجرای مجازات سابق درباره وی، تأثیر چندانی نداشته است؛ لذا برای آن که مرتکب تکرار جرم، متنبه شود مستحق مجازات بیشتری است. بدین لحاظ تکرار جرم یکی از کیفیات تشدید مجازات محسوب می‌شود. حسب نظریه مشورتی ۷/۱۰۲۳۵ - ۷۱/۹/۲۵ چون ماده ۴۸ قانون مجازات اسلامی نحوه تشدید مجازات را در خصوص تکرار کننده جرم مشخص ننموده و در سایر قوانین نیز حکم خاصی در این خصوص وجود ندارد؛ بنابراین در اجرای آن دادگاه اختیار دارد با توجه به شرایط و کیفیت جرایم ارتكابی و اوضاع و احوال شخصی مرتکب، مجازات تعزیری را تشدید نماید. در این که تشدید مجازات، به معنی فراتر رفتن از حداکثر مجازات قانونی است، تردیدی وجود ندارد؛ اما مراعات اصولی مانند اصل قانونی بودن مجازات‌ها، قضات را بر آن داشته که جانب احتیاط را نگه دارند و در حدودی که قانون - گذار تعیین کرده حکم دهند. (زراعت، ۱۳۸۴، ۱۳۲)

## اقسام تکرار جرم

### تکرار خاص

چنانچه کسی مرتکب جرمی خاص شود و مجدداً آن جرم را تکرار کند به عنوان مثال دفعه قبل مرتکب سرقت شده و دوباره مرتکب سرقت بشود، تکرار خاص نامیده می‌شود.

### تکرار عام

هرگاه مجرم در ارتکاب جرم یا جرایم بعدی، عادت به ارتکاب جرم خاصی نداشته باشد بلکه مرتکب جرایمی به طور مختلف شده باشد مثلاً در مرتبه قبلی مرتکب سرقت شده و در مرتبه دوم مرتکب کلاهبرداری می‌شود، تکرار عام نامیده می‌شود. (گارو، ۱۳۴۸، ۲۶۳)

### شرایط تحقق تکرار جرم

برای آن که تکرار جرم تحقق پیدا کند، شرایطی لازم است:

۱. محکومیت قطعی قبلی مجرم به یکی از مجازات‌های تعزیری یا بازدارنده  
اگر رسیدگی به جرم قبلی متهم، هنوز به صدور حکم قطعی منجر نشده باشد و شخص مرتکب جرم جدیدی شود از مصادیق تکرار نخواهد بود بلکه تعدد جرم به شمار خواهد رفت.

۲. اجرای کامل حکم محکومیت قبلی

از جمله شرایط، اجرای کامل حکم درمورد محکوم علیه است، لذا اگر در خلال تحمل مجازات، جرم جدیدی از محکوم علیه صورت بگیرد، تکرار جرم محسوب نمی‌شود. در مورد آزادی مشروط و تعلیق بخشی از مجازات نیز همین قاعده حاکم است و از مصادیق تعدد جرم خواهد بود نه تکرار جرم.

۳. ارتکاب دوباره جرم قابل تعزیر یا مجازات بازدارنده

بر اساس این شرط، لزومی ندارد که مرتکب همان جرم سابق را تکرار نماید؛ بلکه صرف ارتکاب دوباره جرم قابل تعزیر، وی را مشمول تکرار جرم قرار خواهد داد. البته در قانون مجازات مصوب سال ۱۳۶۱ تکرار خاص را مورد توجه قرار داده بود به این معنا که مرتکب جرم، باید همان جرم قبلی را مرتکب می‌شد تا مشمول قواعد مربوط به تکرار جرم قرار گیرد؛ اما چون این موضوع باعث تجری مجرمین و تشویق آنان به ارتکاب جرم‌های جدید می‌گردید، این ایراد در قانون مجازات اسلامی مصوب برطرف گردید.

## تعدد اعتباری جرم

گاهی یک جرم با آنکه نتیجه ارتکاب فعل مادی واحد است دارای اوصاف و عناوین جزائی متعددی است و چنین به نظر می رسد که جرائم متعددی واقع شده اند و لذا در رسیدگی به آن از نظر تعیین مجازات باید قاعده ی تعدد واقعی جرم را اعمال نمود گاهی از فعل مجرمانه واحد نتایج متعددی حاصل می شود. گاهی از اعمال مجرمانه ی ارتكابی یک شخص بعضی مقدمه ی دیگری یا از لوازم آن است. و بالاخره گاهی نیز ارتكاب چند فعل مجرمانه تشکیل یک جرم یا یک عنوان خاص جزای را می دهد. در تمام این موارد که فروض مختلف تعدد اعتباری را تشکیل می دهند، چه در ایران و چه در سایر کشورها مجازات به عنوان تعدد جرم تشدید نمی گردد بلکه همیشه اعمال انجام یافته به عنوان یک جرم تلقی و مجازات جرم اشد مورد حکم قرار می گیرد. (رایجیان، ۱۳۸۲، ۲۹)

## اهداف مجازات در دو رویکرد حقوق جزا و آموزه های دینی

اهداف مجازات در دو رویکرد حقوق جزا و آموزه های دینی کاوش از چرایی کیفر در دو حوزه بررسی زیرساخت ها و نیز دستاوردها و پیامدها انجام می گیرد که از رویکرد نخست به «مبانی و از رویکرد دوم به «اهداف مجازات» یاد می شود. هر چند مرزبندی این دو رویکرد و جدا سازی دقیق آنها چندان آسان نمی نماید، به گونه ای که گاه درهم می آمیزد، ولی با این وجود، در نوشتار کنونی تلاش شده است دستاوردها و نمودهای عینی مجازات، یعنی اهداف به جای پایه های استوارسازی آن (مبانی)، با پرننگی بیشتر دنبال شود. گفتنی است این بررسی در دو نگرش اسلام و مکاتب کیفری حقوق موضوعه انجام گرفته است. (پیمانی، ۱۳۷۴، ۴۳)

جز سال های آغازین قاعده مند کردن مجازات، یعنی پس از دوران انتقام خصوصی که بیشترین هدف کیفر را فراهم سازی عدالت مطلق و سزادهی به مجرم تشکیل می داد، از آن پس این هدف جای خود را به هدف پیشگیری از جرم و بازپروری مجرم از مجازات سپرد (آقائی نیا، ۱۳۷۶، ۷۴)

### ۱) تشفی و انتقام

انتقام یا پوشش دهی به آزاده خاطری قربانی جرم، از دیرباز به عنوان هدف مجازات مورد توجه بود و حقوق جزا از آن بسیار تأثیر می پذیرفت. افکار عمومی نیز با قدرتی هر چه تمام تر آن را در رأس جهت گیری های اهداف مجازات جای می داد. این تأثیرپذیری تا آن اندازه بوده که از زمان پیدایش نخستین سازمان اجتماعی تا سال های پایانی قرن هجدهم میلادی، واکنش در برابر جرم به ترتیب در اشکال انتقام خصوصی، مذهبی و سیاسی خودنمایی می کرد (اردبیلی، ۱۳۷۳، ۵۴)

این در حالی بود که رویکرد مزبور، نابسامانی هایی چون جنگ های خونین قبیله ای و نابرابری کیفر با جرم انجام شده را در پی داشت. شاید مورد توجه بشر قرار گرفتن تشفی و انتقام به عنوان نخستین هدف مجازات در گذر تاریخ از آن رو بوده است که این ویژگی در درون او دستمایه ای طبیعی و ذاتی داشت؛ چنانچه برخی را باور همین می باشد. برای نمونه، شهید مطهری در این باره می فرماید: حس انتقام جویی و تشفی طلبی در بشر بسیار قوی و در دوره های ابتدایی و جامعه های بدوی ظاهراً قوی تر بوده است... این حس هم اکنون نیز در بشر وجود دارد؛ نهایت آنکه در جوامع متمدن، اندکی ضعیف تر یا پنهان تر است. دلیل ذاتی بودن این حسن آن می باشد که فرد ستم دیده به عقده روحی دچار می شود، اگر عقده او خالی نشود ممکن است به طور آگاهانه یا ناآگاهانه روزی مرتکب جنایت شود. هنگامی که ستمگر را در برابر او مجازات کنند عقده اش باز و روانش از کینه و ناراحتی پاک می شود (صادقی، ۱۳۷۳، ۶۹)

### ۲) اجرای عدالت

عدالت جویی، همچون تشفی طلبی، در ردیف ویژگی های ذاتی انسان جای دارد و با سرشت او آمیخته است. اهمیت آن تا اندازه ای می باشد که در روایات معصومان (علیهم السلام) پا برجایی آسمان ها و زمین بدان نسبت داده شده است: هر چند بررسی مفهوم عدالت و پرداختن به زوایای گوناگون آن از گنجایش این نوشتار بیرون است، ولی در اینجا با نگاهی کوتاه به برخی رویکردهای حقوق دانان درباره آن - البته با تکیه بر هدف مجازات - بحث را پی می گیریم. نخست باید دانست از نگاه کسانی که

اجرای عدالت را هدف کیفر قرار داده اند، مجازات، جزای عملی می باشد که مجرم آن را انجام داده است. به دیگر سخن، جامعه در واکنش به رفتار ناشایستی که از تبهکار سر زده است، در حق او نیز چنین می کند (کلانتری، ۱۳۷۶، ۴۵). پیشینه این دیدگاه به مکتب کلاسیک (از مکاتب حقوق کیفری) بازمی گردد. این مکتب در آغاز قرن نوزدهم در واکنش به وضعیت نابسامان حاکم بر کیفر، یعنی دلخواهی، وحشیانه و نابرابر بودن آن با جرم انجام یافته، در نظر داشتن هدفی معقول از مجازات را در دستور کار خود جای داد که برجسته ترین ویژگی آن برقراری عدالت مطلق یا همسانی میان جرم و کیفر بود. گفتنی است در این رویکرد، جرم و مجرم جدا از ویژگی های شخصی مورد توجه قرار گرفت. با بیان دیدگاه های بعدی در هدف گذاری مجازات، این موضوع، یعنی شخصی کردن کیفر، روشن تر خواهد شد. رویکرد عدالت محور در هدف گذاری مجازات، هر چند بر شخصی کردن کیفر استوار نبود، ولی پایه اندیشه ای را بنیان نهاد که بعدها به نام «فردی کردن مجازات» در حقوق جزا پذیرفته شد و دگرگونی های گسترده ای را در قوانین جزایی پدید آورد توجه به مسئولیت اخلاقی مجرمان و تعیین کیفر با تکیه بر آن، اصل اساسی این دیدگاه را تشکیل می دهد. مفهوم مسئولیت اخلاقی مجرم یا عدالت مطلقه آن است که مجازات، راهکاری برای جرم زدایی نمی باشد تا گفته شود: چنانچه ترسی در مردم پدید نمی آید یا برای جامعه فایده ای بار نمی شود، از به کار بستن آن خودداری گردد؛ بلکه امری است که بایستگی آن از اخلاق و عدالت سرچشمه می گیرد و درد و رنجی می باشد که مجرم به دلیل آشفتگی نظام اخلاقی جامعه باید آن را بر دوش کشد چنین برخوردی با مجرم از آن روست که هر کس، به دلیل داشتن مسئولیت اخلاقی باید بازتاب رفتار خود را ببیند و اگر پای هر شخص دیگر جز او را به میان بکشیم، در این صورت، همه را شرکای جرم به حساب آورده ایم. این کار نیز به نوبه خود یعنی شکستن حریم عدالت و زیر پا گذاشتن اصل مسئولیت اخلاقی. کوتاه سخن آنکه انتظار از جامعه آن می باشد که بزهکاران عادلانه به سزای اعمال خود برسند و هیچ جرمی بدون مجازات نماند وانگهی، کمال دادگستری، در توزیع کیفرهای قانونی همسنگ با خطای بزهکار است (فتحی، ۱۳۷۱، ۳۱).

### به سازی، درمان و بازپروری مجرم

اندیشه اصلاح مجرم در هدف گذاری کیفر، از نوآوری های عصر کنونی به شمار نمی رود، بلکه رگه های آن را در اصول حقوق جزای قرون وسطا و حتی پیش تر از آن نیز می توان یافت؛ برای نمونه، از سقراط در این باره نقل شده است: ما به هیچ روی نباید علیه مجرمین خشمناک شویم، بلکه باید به آنها بیاموزیم که چگونه می توانند دیگر مرتکب جرم نشوند؛ زیرا جرم، نتیجه نادانی است و همه مردم سعادت فراگیری معلومات را نداشته اند (کوشا، ۱۳۸۵، ۱۰۲) نئوکلاسیک ها نیز با الهام از چنین پیشینه ای و نیز اندیشه های اشخاصی همچون مبیون و جان هوارد، هدف اصلاح و تربیت را در مجازات مطرح کردند (نوربها، ۱۳۸۵، ۱۱۹) جدا از زیاده روی یا کندروی هایی که در حقوق جزا زیر عنوان «اصلاح مجرم» روی داده و به بهانه آن حقوقی از افراد پایمال گردیده است و متخلفان بسیاری از چنگال اجرای عدالت در امان توصیف شده اند، در چشم اندازی کلی باید گفت: هدف یاد شده از اهداف معقول و پسندیده به شمار می رود. و چه نیکوست که با باریک اندیشی در زوایای گوناگون آن، ساختاری فراگیر برایش، پی افکنده شود.

### اصل قانونی بودن جرایم و مجازاتها در منظر فقه امامیه

یکی از اصول اولیه و مسلم حقوق جزایی که شرع مقدس اسلام بر آن تصریح نموده، «اصل قانونی بودن جرایم و مجازات ها» و یا همان «قاعده قبح عقاب بلا بیان» است و این قاعده از قواعد مسلم نزد فقیهان و اصولیون به شمار می رود و درصدد بیان این معناست که هیچ مجازاتی بدون وجود قانون قابل تصور نیست. دین اسلام سالها قبل از تولد مکاتب مختلف در قرآن و احادیث این قاعده را مورد توصیه موکد قرار داده است. محاکم اسلامی در طول تاریخ با الهام از قرآن و حدیث، مانند سوره اسراء آیه ۱۵ (ماکنا معذبین حتی نبعث رسولا) سوره طلاق آیه ۷ (لا یکلف ا... نفسا الا ما اتها) حدیث رفع، قاعده درء، قاعده قبح عقاب بلا بیان و اصل اباحه و اصولی که ملل اروپایی بعدها به آن دست یافتند را ملاک رسیدگی و صدور حکم قرار می دادند و لازم به ذکر است قاعده «قبح عقاب بلا بیان» از قواعد مهم شرعی و مترادف فقهی دینی اصل قانونی بودن جرایم و مجازات هاست. (رحیمی، ۱۳۹۱، ۲۳) با تمام اهمیتی که دانشمندان «مکتب کلاسیک» برای اصل قانونی بودن قائل هستند، با این وصف این اصل در

دوران قدیم ناشناخته بود در حقوق دول باستانی، در حقوق رم، در حقوق قرون وسطی و حتی در حقوق دوران رنسانس سوابقی از این اصل دیده نمی‌شود. بررسی کتب تاریخی حقوق جزا نشان می‌دهد، «اصل قانونی بودن جرایم و مجازاتها» تا قبل از دوره رنسانس در نظامهای کیفری باستان وجود خارجی نداشته و صرفاً در قوانین بابل در برخی امور مجازاتهایی تعیین می‌شده که می‌توان آنرا در نوع خود و با توجه به شرایط زمانی و مکانی آن عصر قابل توجه دانست و در حقوق روم نیز این اصل به صورت ضعیف مورد توجه قرار گرفته بود لیکن چون فرامین سلطنتی به صورت کلی به مردم و قضات ابلاغ می‌شد زمینه‌های خود کامگی و استبداد قضایی در برخوردهای سلیقه‌ای رافراهم می‌کرد. در این دوران دادگاه‌های کلیسایی به صورت خشن و بدون هرگونه وحدت رویه‌ای مبادرت به اصدار حکم و اجرای مجازات می‌کردند و همین اعمال واکنش دانشمندان و نظریه پردازان قرن هجدهم میلادی مانند «منتسکیو» در فرانسه، «بنتام» در انگلستان، «بکاریا» در ایتالیا رافراهم آورد تا با کتاب هابو نظریات خود سعی در تنسيق جرم و مجازات، لزوم اعلام قبلی به جامعه و نیز ایجاد تناسب بین جرم و مجازات نمایند. در سال ۱۷۸۹ با انقلاب کبیر فرانسه آرزوی این دانشمندان جامعه عمل پوشید و قانونگذار فرانسوی «اصل قانونی بودن جرایم و مجازاتها» را تصویب نمود، این اصل رفته رفته به سایر کشورها انعکاس یافت و حتی آن را در قوانین اساسی خود جای دادند و در قوانین جزایی پیش از انقلاب اسلامی نیز که متأثر از قوانین فرانسه بود، لحاظ گردید.

به موجب اصل ۳۶ قانون اساسی حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد و این اصل که با قید کلمه «تنها» تاکید مطلق بر اصل قانونی بودن جرایم و مجازاتها دارد. واژه جرم در علوم مختلف دارای معانی متفاوت است مثلاً در علوم دینی که با تعبیری مانند ذنب، اثم، معصیه و... نامگذاری شده و به معنای تخلف از اوامر و نواهی شارع است با مفهوم جرم در علوم جامعه شناسی و روانشناسی متفاوت است. همین مفهوم در علم حقوق تعریفی دیگر دارد، مواد ۲ و ۱۱ قانون مجازات اسلامی هم که به تعریف جرم پرداخته و آنرا فعل یا ترک فعلی دانسته که در قانون برای آن مجازات تعیین شده و عنوان می‌دارد: مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی به موجب قانونی است که قبل از وقوع جرم مقرر شده باشد و هیچ فعل یا ترک فعلی را به موجب قانون موخر جرم و قابل مجازات ندانسته و قانون لاحق را صرفاً در موارد تخفیف یا عدم مجازات حاکم می‌داند، نیز صحه بر اصل موصوف می‌گذارد. قاعده مشهور فقهی «قبح عقاب بلا بیان» نیز مشتمل بر همین معناست که مفهوم آن زشتی و قباح مجازات بیان نشده است.

## احکام و قوانین مرتبط با تعدد جرم

۱- امکان تخفیف در تعدد جرم

تبصره ۲ ماده ۲۲ ق.م.ا - در مورد تعدد جرم نیز دادگاه میتواند جهات مخففه را رعایت کند .

۲- عدم امکان اجرای تعلیق در تعدد جرم

صدر ماده ۳۶ ق.م.ا - مقررات مربوط به تعلیق مجازات درباره کسانی که به جرائم عمدی متعدد محکوم می شوند قابل اجراء نیست. (ماده ۳۶)

اخیر ماده ۳۶ ق.م.ا - همچنین اگر درباره یک نفر احکام قطعی متعددی در مورد جرائم عمدی صادر شده باشد که در بین آنها محکومیت معلق نیز وجود داشته باشد دادستان مجری حکم موظف است فسخ قرار یا قرارهای تعلیق را از دادگاه صادر کننده بخواهد دادگاه نسبت به فسخ قرار با قرارهای مزبور اقدام خواهد نمود .

۳- تشدید مجازات معاونین و شرکای جرم در صورت تعدد جرم

بدیهی است شرکا و معاونین جرم نیز در صورت تعدد جرم مجازاتشان تشدید می گردد.

۴- تاثیر تعدد جرم در روند رسیدگی

ماده ۱۸۳ آیین دادرسی کیفری - به اتهامات متعدد متهم باید توأمآپ ویکجا رسیدگی شود لیکن اگر رسیدگی به تمام آنها موجب تعویق باشد دادگاه نسبت به اتهاماتی که مهیا برای صدور حکم است تصمیم می گیرد. ماده ۱۸۴ آیین دادرسی کیفری - هرگاه پس از صدور حکم معلوم گردد محکوم علیه دارای محکومیت‌های قطعی دیگری بوده که مشمول مقررات تعدد جرم می باشند و در میزان مجازات قابل اجراء موثراست به شرح زیر اقدام می گردد :

الف - هرگاه احکام صادره از دادگاههای بدوی به لحاظ عدم تجدیدنظر خواهی قطعی شده باشد پرونده به آخرین شعبه دادگاه بدوی صادرکننده حکم ارسال تا پس از نقض کلیه احکام بارعایت مقررات مربوط به تعدد جرم حکم واحد صادر نماید .

ب - در صورتی که حداقل یکی از احکام در دادگاه تجدیدنظر استان صادر شده باشد پرونده هابه دادگاه تجدیدنظر استان ارسال تا پس از نقض کلیه احکام با رعایت مقررات مربوط به تعدد جرم حکم واحد صادر نماید.

ج - در صورتی که حداقل یکی از احکام در دیوان عالی کشور مورد تایید قرار گرفته باشد ، پرونده ها اعم از اینکه در دادگاه بدوی یا تجدیدنظر باشد به دیوان عالی کشور ارسال می گردد تا احکام را نقض و جهت صدور حکم واحد به دادگاه بدوی صادر کننده آخرین حکم ارجاع کند (کلانتری، ۱۳۷۵، ۱۳۹).

## نتایج

قوانین جزایی برای تربیت مجرمین و برقراری نظم در جامعه ها ضروری و لازم بوده، هیچ چیز دیگری نمی تواند جانشین آن شود. اینکه برخی می گویند به جای مجازات، مجرم را باید تربیت کرد و به جای زندان باید دارالتأدیب ایجاد نمود مغلطه است؛ تربیت و ایجاد دارالتأدیب بی تردید لازم و ضروری بوده؛ تربیت صحیح مسلماً از میزان جرایم می کاهد، همچنان که نابسامانی اجتماعی یکی از علل وقوع جرایم بوده، برقراری نظامات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی صحیح نیز به نوبه خود از جرایم می کاهد، ولی هیچ یک از اینها جای دیگری را نمی گیرد؛ نه تربیت و نظامات عادلانه جانشین کیفر و مجازات می شود و نه کیفر و مجازات، جانشین تربیت صحیح و نظام اجتماعی سالم. هر اندازه تربیت، درست و نظام اجتماعی، عادلانه و سالم باشد باز افراد یاغی و سرکش پیدا می شوند که تنها راه جلوگیری از آنها مجازات و کیفر است که احیاناً باید سخت و شدید باشد. از طریق تقویت ایمان و ایجاد تربیت صحیح و اصلاح جامعه و از بین بردن علل وقوع جرم از میزان جرایم و جنایات می توان تا حدود زیادی کاست و باید هم از این راه ها استفاده کرد، ولی نمی توان انکار کرد که مجازات هم در جای خود لازم بوده و هیچ یک از امور دیگر، اثر آن را ندارد. بشر هنوز موفق نشده و شاید هیچ وقت موفق نشود که از طریق اندرزگویی و ارشاد و استفاده از سایر وسایل آموزش و پرورشی بتواند همه مردم را تربیت کند و امیدی هم نیست که تمدن و زندگی مادی کنونی بتواند وضعی را به وجود بیاورد که هرگز جرمی واقع نشود. تمدن امروز نه تنها جرایم را کم نکرده، بلکه به مراتب، آنها را بیشتر و بزرگ تر کرده است. کوتاه سخن آنکه تشفی و آرام سازی دل قربانی جرم، که در اثر اقدام مجرم آزار دیده است، از جمله اهداف مجازات به شمار می آید، ولی روحیه انتقام جویی برخاسته از این ویژگی باید در بستری نظام یافته و قانونمند، مهار گردد تا نابسامانی های اجتماعی را در پی نداشته باشد.

در این پژوهش به بررسی تطبیقی تعدد و تکرار جرم در قانون مجازات اسلامی و فقه امامیه پرداخته شده است. نتایج حاصل از بررسیها نشان مبی دهد که عدد جرم یکی از وضعیتهای محتمل است که فردی با نقض هنجارهای کیفری ممکن است بهوجود آورد. در این وضعیت جدی د بحث تعیین مجازات مرتکب مطرح میشود که مسلماً باید متفاوت از وضعیت مرتکب جرم واحد یا مجرم مکرر باشد. قانونگذار سابق با تفکیک تعدد واقعی از تعدد اعتباری، در مورد تعدد اخیر اجرای مجازات جرم اشد را مورد توجه قرار داده بود و در خصوص تعدد واقعی نیز نظر روشنی راجع به نحوه تعیین مجازات مرتکب نداشت جز اینکه در موارد تعدد واقعی غیرمختلف به تشدید مجازات مرتکب تمایل نشان داده بود. اما قانونگذار جدید سعی کرده است وضعیت مجازات فردی را که مشمول عنوان تعدد جرم است به صورت واضح تر مشخص نماید. در این چارچوب، البته سیاست کیفری قانونگذار در قلمرو تعدد اعتباری تغییری نکرده است اما وضعیت تعدد واقعی تا حدودی دگرگون شده است. در این قلمرو، قانونگذار بر اساس مبانی مختلف عدالت، فقه و فایده گرایی آثار متفاوتی را برای تعدد جرم در نظر گرفته است که تنها یکی از این آثار، تشدید مجازات است. به عبارت دیگر، با توجه به قانون جدید مجازات اسلامی، تعدد جرم آثار مختلفی را در پی خواهد داشت که تخفیف مجازات و تشدید آن در شرایط گوناگون از جمله این آثار است. بدینسان هرگز نمی توان گفت که تعدد جرم از کیفیات عینی تشدید مجازات است. یکی از آثار تعدد جرم در قانون جدید مجازات اسلامی، تشدید مجازات است که قانونگذار آن را فقط در مورد تعدد جرایم تعزیری پذیرفته است. این تشدید مبتنی بر یک فایده عملی است زیرا قانونگذار، تشدید را هرگز از طریق جمع مجازاتها دنبال نکرده است. به موجب ماده ۱۳۴ قانون جدید، قانونگذار دو وضعیت را از هم تفکیک کرده است:

درمورد رویکرد جدید قانونگذار چند نکته قابل ذکر است. اولاً، تعیین میزان تشدید مجازات یکی از محاسن قانون جدید است که در قانون سابق وجود نداشت. بدیهی است تشدید، زمانی معنی دارد که مجازات مرتکب بیش از حداکثر تعیین شود و تعیین خود حداکثر را نمیتوان تشدید دانست. از اینرو شاید بتوان این ایراد را به قانونگذار جدید وارد دانست که در خصوص حالتی که تعداد جرایم ارتكابی کمتر از چهار جرم است حداکثر شدیدترین جرم قابل اجرا اعلام شده است. البته طبق ماده ۱۳۴ حداکثر همه جرایم مورد حکم قرار میگیرد اما فقط شدیدترین مجازات به موقع اجرا گذاشته خواهد شد. ثانیاً، قانونگذار در مورد حالتی که تعداد جرایم ارتكابی کمتر از چهار جرم باشد سیاست واحدی اتخاذ نکرده است، به این معنی که چنانچه شدیدترین جرم دارای حداقل و حداکثر باشد فقط حداکثر همان جرم به اجرا گذاشته خواهد شد ولی اگر چنین نباشد یعنی شدیدترین جرم دارای مجازات ثابت باشد، مجازات قابل اجرا به اندازه یک چهارم بیشتر از آن مجازات ثابت خواهد بود. بنابراین، درحالی که در وضعیت نخست، تشدید به معنای واقعی کلمه صورت نمیگیرد در وضعیت دوم، تشدید واقعاً اعمال خواهد شد و این تفاوت سیاست در دو وضعیت مختلف از یک حالت غیرقابل قبول به نظر میرسد. بر اساس تبصره ۲ و ۳ ماده ۱۳۲ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲، چنانچه دو یا چند جرم حدی در راستای هم و در یک واقعه باشند، فقط مجازات اشد اجرا می‌شود. همچنین اگر مرد و زنی چند بار با یکدیگر مرتکب زنا شوند، چنانچه مجازات اعدام و جلد یا رجم و جلد ثابت باشد، تنها اعدام یا رجم حسب مورد اجرا می‌شود در قانون جدید مصوب (۱۳۹۲) تعدد درباره حدود، قصاص و دیات حالت متفاوتی دارد و به طور معمول اگر کسی چند بار مرتکب قتل عمد شود، به چند بار مجازات قصاص محکوم می‌شود. درباره ارتكاب جرایم مستوجب حدود و دیه نیز به همین ترتیب عمل می‌شود، یعنی به جای اعمال مجازات اشد، حتی اگر اعمال مجرمانه یک نوع باشد ولی قربانی آن متعدد باشد، برای هر جرم یک مجازات مستقل تعیین می‌شود. همچنین بر اساس تبصره ۴ ماده ۱۳۲ اگر شخص به دو یا چند نفر توهینی کند که مستوجب قذف باشد، به همان میزان چند بار، یک مجازات نسبت به او اجرا می‌شود. بدون تردید، در غیر از موارد تعزیرات و دیگر جرایم مجازات بازدارنده، حکم تکرار جرم را لزوماً باید در لابلای مقررات ناظر بر حدود، قصاص و دیات جستجو کرد و در هر مورد، برابر مقررات ابواب مربوطه اقدام نمود. اما با بررسی تطبیقی این قوانین با فقه امامیه مشخص می‌شود که به نظر مشهور فقهای شیعه، برای اثبات جرم زنا، لواط و مساحقه، چهار بار اقرار و برای اثبات نوشیدن شراب، قذف و قوادی، دو بار اقرار نزد قاضی لازم است. راه دیگر اثبات حدود، شهادت (بینه) است. تعداد و شرایط شاهدان، بسته به نوع جرم، متفاوت است. مثلاً، در لواط و مساحقه، شهادت چهار مرد عادل، در زنا شهادت چهار مرد عادل یا سه مرد و دو زن یا در برخی موارد دو مرد و چهار زن، و در دیگر جرائم مستوجب حد، شهادت دو مرد ضروری است. دین اسلام از همان بدو قانونگذاری جزائی به بزهکار اولیه و ثانویه توجه نموده و بین آنها تفاوت عمیقی را قرار داده به نحوی که مجازات مجرم را در صورت داشتن سابقه تحمل کیفر در حدود، و در صورت اجرای چند مرتبه حد در مراحل بعدی تغلیظ می‌کند و غالباً تکرار حدود موجب اجرای حد اعلام در مراتب سوم یا چهارم ارتكاب همان جرم حدی است. از نظر فقه امامیه کیفر باید بازدارنده مجرم و جلو گیرنده دیگران باشد؛ یعنی مجرم را از تکرار جرم باز دارد و برای دیگران به گونه‌ای عبرت آموز باشد که هرگز دست به ارتكاب جرم نزنند، و این در صورتی امکان پذیر است که کیفر جرم به حدی زیان بخش و دردناک باشد که هرگاه مجرم، زیان و درد آن را با سود و لذتی که از جرم عاید او می‌گردد مقایسه کند، صرفه و مصلحت خود را در آن ببیند که از ارتكاب جرم امتناع ورزد.

## منابع و مراجع

- [۱] آزمایش، سید علی، ۱۳۷۳، تقریرات جرایم علیه اموال، پلی کپی دانشگاه تهران
- [۲] آقائی نیا، حسین، ۱۳۸۶، جرایم علیه اشخاص، جلد اول، انتشارات میزان، چاپ دوم،
- [۳] الهام، غلامحسین، ۱۳۸۴، مبانی فقهی و حقوقی تعدد جرم، انتشارات بشری، چاپ اول
- [۴] ارباطی ایرانی، بابک، ۱۳۸۴، مجموعه نظرهای مشورتی جزایی، انتشارات مجد، چاپ اول،
- [۵] اردبیلی، محمدعلی، ۱۳۸۳، حقوق جزای عمومی، جلد اول، انتشارات میزان، چاپ پنجم
- [۶] میرمحمد صادقی، ۱۳۸۳، حسین، جرایم علیه اموال و مالکیت، انتشارات میزان، چاپ یازدهم، ص ۳۲۸
- [۷] باختر، سید احمد، ۱۳۸۴، رئیسی، مسعود، آراء وحدت رویه حقوقی و جزایی، انتشارات خط سوم، چاپ دوم
- [۸] پیمانی، ضیاء الدین، ۱۳۷۴، بررسی تاریخی و تطبیقی تعدد جرم، انتشارات معاونت پژوهشی، چاپ اول
- [۹] جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۸۲، ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش، چاپ سیزدهم
- [۱۰] حبیب زاده، محمد جعفر، ۱۳۸۵، سرقت در حقوق کیفری ایران، انتشارات دادگستر، چاپ اول
- [۱۱] زراعت، عباس، ۱۳۸۵، حقوق جزای عمومی تطبیقی، انتشارات ققنوس، چاپ اول، سال ۸۵ شامبیاتی، هوشنگ؛ ۱۳۸۰، حقوق جزای عمومی، تهران، پاژنگ، ج دوم، ص ۴۱۹.
- [۱۲] طاهری نسب، سید یزدالله، ۱۳۸۱، تعدد و تکرار جرم در حقوق جزا، تهران، دانشور، چ اول، ص ۱۴۶ - ۱۴۴.
- [۱۳] غلامی، حسین؛ ۱۳۸۲، تکرار جرم، تهران، میزان، چ اول، ص ۵۰.
- [۱۴] کلانتری، کیومرث، ۱۳۷۵، اصل قانونی بودن جرم و مجازاتها، انتشارات دانشگاه مازندران
- [۱۵] کوشا، جعفر، ۱۳۸۵، تقریرات ح جزای اختصاصی ۳، دانشگاه شهید بهشتی
- [۱۶] گلدوزیان، ایران، ۱۳۸۲، بایسته های حقوق جزای عمومی، انتشارات میزان، چاپ هشتم ۱۵ -
- [۱۷] گاستون استفانی ژرژ لواسور برنار بولوک ترجمه دکتر حسن دادبان حقوق جزای عمومی جلد ۲ انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی
- [۱۸] فتحی، محمدجواد، بررسی انتقادی کیفیات مشدده عمومی در قانون مجازات اسلامی، مجله مجتمع آموزشی قم، شماره هفتاد و هشتم
- [۱۹] فیض، علیرضا؛ ۱۳۷۹، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چ پنجم، ص ۳۸۸.
- [۲۰] نوربها، رضا، ۱۳۸۵، زمینه حقوق جزای عمومی، انتشارات داد آفرین، چاپ هفدهم
- [۲۱] ولیدی، محمد صالح، ۱۳۷۱، جرایم علیه اموال، انتشارات امیرکبیر، چاپ سوم